تحلیلی بر سخنان رئیس کمیسیون اروپا که از شکل‌گیری نظم جدید جهانی ابراز نگرانی کرده است

چشمان نگران چشم‌آبی‌ها

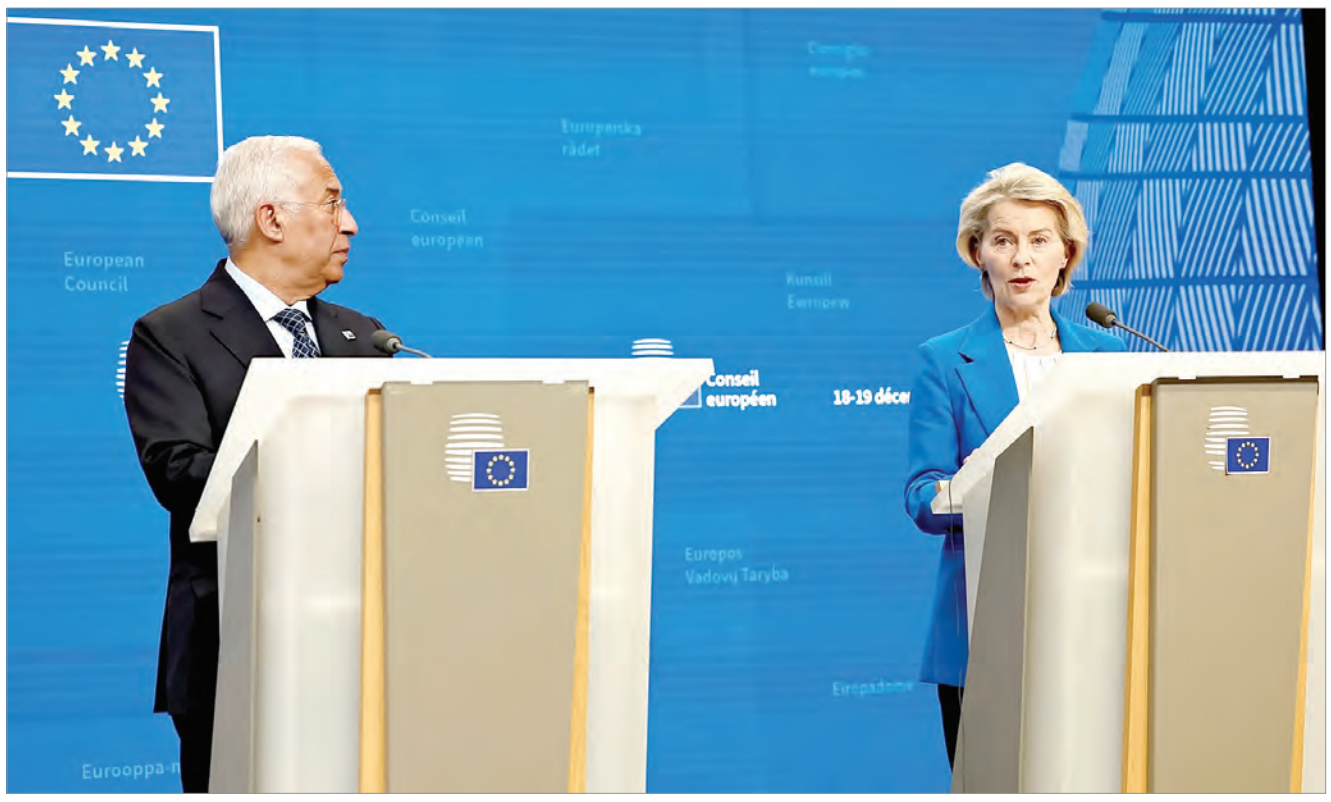

نیک‌پندار | اگرچه جوزف بورل حدود ۱۰سال پیش در گفت‌وگویی با یورونیوز از آغاز دوران جدیدی در سیاست خارجی اتحادیه اروپا صحبت و ضرورت گردش به سمت شرق را تبیین کرده بود، اما واقعیت آن است این گردش حداقل تا پنجشنبه گذشته که اورسولا فون‌درلاین در کمیسیون اروپا صحبت کرد جدی احساس نمی‌شد. حالا به نظر می‌رسد چشم‌آبی‌ها نگران آینده شده‌اند و دیگر حاشیه امنی برای خود متصور نیستند.

■تصمیم‌های حساس رهبران اروپایی

اورسولا فون درلاین، رئیس کمیسیون اروپا با ترسیم ابعاد پرمخاطره تصمیم‌هایی که پیش‌روی رهبران اتحادیه اروپا قرار دارد، از جهانی سخن گفت که «شکارچیان» در آن نقش‌آفرینی می‌کنند و نسبت به شکل‌گیری نظمی تازه در روابط بین‌الملل پس از چرخش سیاست‌های واشنگتن در برابر اروپا هشدار داد.

فون درلاین پیش از گردهمایی سرنوشت‌ساز ۲۷ رهبر اتحادیه اروپا در روز پنجشنبه در بروکسل، این مذاکرات را برای امنیت و استقلال اروپا محوری دانست.

او در صحن پارلمان اروپا در استراسبورگ گفت: «صلح دیروز دیگر وجود ندارد. زمانی برای غرق شدن در گذشته نداریم. آنچه اهمیت دارد این است امروز چگونه با واقعیت‌ها روبه‌رو می‌شویم».

فون درلاین افزود: «ما فوریت اوضاع را می‌دانیم. این فوریت بسیار جدی است. همه ما آن را احساس می‌کنیم. همه ما آن را می‌بینیم».

به گفته او، اتحادیه اروپا در آستانه گرفتن تصمیم‌هایی حیاتی درباره دو موضوع کلیدی است؛ تصمیم‌هایی که می‌تواند چهره جهانی و جایگاه بین‌المللی این بلوک را شکل دهد.

نخست اتحادیه باید مشخص کند چگونه می‌تواند اوکراین را از نظر اقتصادی سرپا نگه دارد و اطمینان دهد این کشور همچنان توان مقاومت در برابر تهاجم روسیه را دارد.

دوم باید تصمیم بگیرد آیا توافق تجارت آزاد با بلوک مرکوسور در آمریکای جنوبی را نهایی کند یا نه؛ توافقی که احیای اعتماد به تجارت مبتنی بر قواعد بین‌المللی به آن گره خورده است، اعتمادی که از زمان روی کار آمدن دولت دوم دونالد ترامپ به پایین‌ترین سطح خود سقوط کرده است.

درباره اوکراین، فون درلاین از طرحی بی‌سابقه حمایت کرده بود که براساس آن از دارایی‌های مسدودشده دولت روسیه برای اعطای وام غرامت استفاده می‌شد. اما این رویکرد میان رهبران اتحادیه اروپا اختلاف‌برانگیز بود و بلژیک، کشوری که بخش عمده این دارایی‌ها در آن نگهداری می‌شود، متقاعد نشد که به خواسته‌هایش برای توزیع مساوی ریسک‌ها میان کشورهای اتحادیه اروپا رسیدگی می‌شود.

البته این تصمیم نهایی هم نشد و سرانجام رهبران اروپایی پس از آنکه طرح ابتکاریشان برای وام‌دهی به اوکراین از محل دارایی‌های مسدود شده روسیه شکست خورد، تصمیم گرفتند برای تأمین مالی این کشور در دو سال آینده، خودشان به‌طور مشترک اوراق قرضه ۹۰میلیارد یورویی منتشر کنند.

اگرچه برخی مجارستان یا بلژیک را در نهایی نشدن تصمیم اتحادیه مؤثر می‌دانند اما به نظر می‌رسد ماجرا پیچیده‌تر از این باشد؛ هیچ بعید نیست ترس از روسیه، آن هم در شرایطی که آمریکا چندان پشت اروپا درنمی‌آید علت اصلی این کوتاه آمدن قاره سبز در تقابل با کرملین باشد.

■مرکوسور؛ آری یا نه؟

رهبران اروپا همزمان با تصمیم مهم دیگری روبه‌رو هستند؛ اینکه آیا پس از ۲۵ سال مذاکره، توافق تجارت آزاد با مرکوسور را نهایی کنند یا خیر. مرکوسور اتحادیه‌ای اقتصادی در آمریکای جنوبی است. مرکوسور در مذاکرات طولانی (۲۵ ساله) با اتحادیه اروپا به توافق تجاری رسیده، اما امضا و تصویب نهایی به دلیل اعتراض کشاورزان اروپا (به‌ویژه فرانسه و ایتالیا) به واردات ارزان گوشت، مرغ و شکر از آمریکای جنوبی، تا ژانویه ۲۰۲۶ به تعویق افتاده است. این توافق می‌تواند تعرفه‌ها را روی میلیاردها یورو کالا حذف کند، اما بحث‌برانگیز است.

برای تصویب این طرح، حمایت «اکثریت کیفی» کشورهای عضو لازم است؛ به این معنا که دست‌کم ۱۵کشور، نماینده حداقل ۶۵درصد جمعیت اتحادیه، باید از آن پشتیبانی کنند. چند کشور بزرگ از جمله فرانسه تمایل چندانی به این توافق ندارند. در این میان ایتالیا به بازیگر تعیین‌کننده تبدیل شده است؛ چراکه فرانسه برای شکل دادن «اکثریت مسدودکننده» و متوقف کردن طرح، به حمایت رم نیاز دارد.

با این حال جورجا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا هنوز موضع روشنی در این زمینه نگرفته و همین موضوع تردیدهایی درباره امکان دوام این توافق ایجاد کرده است.

فرانسه همچنین در پی جلب حمایت برای به تعویق انداختن رأی‌گیری تا سال آینده است؛ اقدامی که حامیان توافق می‌گویند می‌تواند عملاً آن را از میان ببرد و اعتبار اتحادیه اروپا را در آمریکای جنوبی و در سطح جهانی به‌شدت تضعیف کند.

■شمشیر داموکلس ترامپ روی سر اروپا

درنهایت آنچه در میان است اعتبار اتحادیه ۲۷ عضوی اروپا برای شکل دادن به سیاست خارجی و دستور کار تجاری خود است؛ آن هم در شرایطی که با دولت ترامپ روبه‌رو است؛ دولتی که با تکیه بر رویکرد «اول آمریکا»، سیاستی یک‌جانبه‌گرایانه در تجارت و روابط خارجی در پیش گرفته است.

فون درلاین در سخنانش به‌صراحت به تغییر اخیر رویکرد ایالات متحده نسبت به اروپا پرداخت و گفت: «ما اروپایی‌ها نمی‌توانیم اجازه دهیم جهان‌بینی دیگران ما را تعریف کند».

او افزود: «نباید از آنچه دیگران درباره اروپا می‌گویند شگفت‌زده شویم. این اولین باری نیست که فرضیات درباره اروپا منسوخ‌شده نشان داده می‌شود و این اولین باری نیست که متوجه می‌شویم نظم جهانی پس از جنگ به‌طرز غیرقابل تشخیصی در حال تغییر است».

این سخنان پس از آن مطرح می‌شود که در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا، با لحنی تند از «زوال تمدنی» قریب‌الوقوع اروپا سخن گفته شد. کمی پس از انتشار این سند، دونالد ترامپ قاره اروپا را مجموعه‌ای از «کشورهای رو به زوال» توصیف کرد که به گفته او سیاستمدارانی «ضعیف» در رأس آن‌ها قرار دارند.

■ناراحتی آمریکا از مقررات اروپا

جیمیسون گریر، نماینده تجاری آمریکا نیز این هفته حمله تازه‌ای به مقررات دیجیتال اتحادیه اروپا کرده و این بلوک و کشورهای عضو آن را متهم کرد با «دادخواست‌ها، مالیات‌ها، جریمه‌ها و دستورالعمل‌های تبعیض‌آمیز و آزاردهنده» شرکت‌های خدماتی آمریکایی را هدف قرار می‌دهند.

در واکنش به این انتقادها سخنگوی اتحادیه اروپا گفت: «همان‌طور که بارها روشن کرده‌ایم، قوانین ما به‌طور برابر و منصفانه درباره همه شرکت‌هایی که در اتحادیه اروپا فعالیت می‌کنند اعمال می‌شود».

او افزود: «این مقررات تضمین می‌کند در اتحادیه اروپا محیطی امن، عادلانه و با شرایط رقابتی برابر، مطابق با انتظارات شهروندان ما برقرار باشد».

یادداشت

هیراد مخیری

سند امنیت استراتژیک آمریکا؛ صریح، واقعی و شسته‌رفته

از انتشار متن کامل سند ملی امنیت آمریکا چند روزی گذشته و حالا دیگر متن این نوشته در دسترس عموم قرار گرفته است. لذا نگاهی دقیق‌تر به شیوه نگارش آن می‌تواند نکاتی مهم و البته آموزنده را گوشزد کند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین نکات این سند از منظر سندنویسی خواهیم پرداخت.

وقتی با یک سند ملی یا استراتژیک مواجه می‌شویم، نباید آن را صرفاً یک متن اداری یا مجموعه‌ای از جملات رسمی بدانیم. شیوه سندنویسی درواقع زبان قدرت است؛ زبانی که نشان می‌دهد یک دولت چگونه خود را در نظام بین‌الملل می‌بیند، چه اندازه به موقعیتش اطمینان دارد و تا کجا آماده تعیین تکلیف است.

صراحت حاکم بر این سند، نه امری تصادفی است و نه ناشی از ترجیح فردی؛ بلکه بازتاب جایگاه قدرت و منطق حاکم بر فرایند تنظیم نهادی آن در سطوح عالی تصمیم‌سازی است. چنین زبانی معمولاً زمانی به کار می‌رود که دولتِ صادرکننده، خود را در موضعی تثبیت‌شده می‌بیند و نیازی به تعارف، توجیه یا جلب رضایت دیگران احساس نمی‌کند. سند، در اینجا برای اعلام موضع نوشته شده است، نه برای اقناع اخلاقی یا بازی با واژگان.

از منظر تحلیل علم روابط بین‌الملل، این نوع صراحت معمولاً نشانه اعتماد به موقعیت حقوقی-سیاسی و ظرفیت اعمال اراده در سطح جهانی است. شفافیت در چنین متونی، نشانه خوش‌بینی یا حسن نیت نیست؛ بلکه ابزاری برای مدیریت انتظارات، ارسال پیام بازدارنده و محدودکردن دامنه تفسیر طرف مقابل است. هرچه پیام روشن‌تر باشد، هزینه سوءبرداشت کمتر می‌شود.

این سبک نگارش، ریشه در نگاهی دارد که جهان را عرصه رقابت منافع می‌بیند، نه میدان آرمان‌گرایی انتزاعی. در این نگاه، سند استراتژیک جای زبان نرم و چندپهلو نیست. متن باید روشن کند چه چیزی خواسته می‌شود، چه چیزی تحمل می‌شود و از کجا به بعد خط قرمز آغاز می‌شود. به همین دلیل، زبان سند مستقیم، هدفمند و عاری از حاشیه‌پردازی است.

نکته مهم آن است این صراحت، زمانی شکل می‌گیرد که میان هدف و توان شکاف عمیقی وجود نداشته باشد. دولت‌هایی که می‌دانند ابزارهای لازم برای پیگیری تصمیمات خود را در اختیار دارند، نیازی به ابهام‌گویی ندارند. برعکس، هرجا فاصله میان خواسته‌ها و توان واقعی زیاد باشد، زبان معمولاً به سمت کلی‌گویی، شعار یا ابهام حرکت می‌کند.

این سند همچنین نشان می‌دهد واقع‌گرایی چگونه خود را در زبان آشکار می‌کند. تمرکز بر منافع مشخص، تهدیدات عینی و اولویت‌های عملیاتی، جای ارجاع‌های کلی و آرمانی را گرفته است. در چنین رویکردی، حقوق بین‌الملل نه نادیده گرفته می‌شود و نه تقدیس؛ بلکه به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاست به کار گرفته می‌شود، ابزاری که می‌تواند در خدمت منافع قرار گیرد، نه مانعی برای آن.

کوتاه و فشرده‌بودن متن نیز اتفاقی نیست. اختصار در اسناد استراتژیک معمولاً نشانه انسجام تصمیم‌سازی و شکل‌گیری اجماع در سطوح بالاست. وقتی تصمیم گرفته شده باشد، سند نیازی به توضیح اضافه ندارد. متن مستقیماً سراغ عمل می‌رود، نه توجیه.

در نهایت، این شیوه سندنویسی دو پیام همزمان دارد: برای بیرون، پیام قدرت و بازدارندگی و برای درون، تعیین چارچوب رفتار و جهت‌گیری. در چنین متونی، ابهام نه امتیاز، بلکه ضعف است. صراحت نه از سر هیجان، بلکه نتیجه محاسبه است.

جمع‌بندی آنکه زبان این سند، زبان تعیین تکلیف است؛ زبانی که نشان می‌دهد سیاست بین‌الملل هنوز هم بیش از هر چیز، میدان رقابت قدرت‌های محاسبه‌گر است. حتی اگر بتوان درباره اهداف آن نقد داشت، نمی‌توان انکار کرد از نظر حرفه‌ای، با متنی مواجهیم که دقیقاً می‌داند چه می‌خواهد بگوید و چرا باید آن را بی‌پرده بگوید.

رصد

رشد چهار برابری علاقه به مهاجرت در میان زنان جوان آمریکایی

ابراهیم دادیار | نظرسنجی تازه مؤسسه گالوپ نشان می‌دهد میل به مهاجرت در میان زنان جوان آمریکایی به سطحی بی‌سابقه رسیده است. براساس این پیمایش تلفنی که در فاصله ۱۴ ژوئن تا ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۵ با نمونه‌ای هزارنفره از ساکنان پانزده‌ساله و بالاتر آمریکا انجام شده، حدود ۲۰ درصد آمریکایی‌ها گفتند اگر امکانش را داشته باشند، ترجیح می‌دهند برای همیشه به کشور دیگری مهاجرت کنند. اما این میانگین، شکاف‌های عمیقی درون خود پنهان دارد.

مهم‌ترین یافته گزارش این است که ۴۰ درصد زنان پانزده تا چهل‌وچهار ساله اعلام کرده‌اند در صورت فراهم بودن شرایط، آمریکا را برای همیشه ترک می‌کنند. این رقم در سال ۲۰۱۴ تنها ۱۰ درصد بود؛ یعنی میل به مهاجرت در این گروه در یک دهه چهار برابر شده است. این گزارش نشان می‌دهد خیز اصلی این روند از سال ۲۰۱۶ و همزمان با انتخابات بحث‌برانگیز ترامپ و کلینتون آغاز شد و در سال‌های پس از آن، در دوره ترامپ و بایدن نیز در سطوح بالا باقی ماند.

در نقطه مقابل، فقط ۱۹ درصد مردان پانزده تا چهل‌وچهار ساله گفته‌اند مایل‌اند به‌طور دائمی از آمریکا خارج شوند. بنابراین میان زنان و مردان جوان شکاف ۲۱ واحد درصدی در میل به مهاجرت ثبت شده است؛ بزرگ‌ترین فاصله‌ای که گالوپ تاکنون برای یک کشور گزارش کرده است. پیش از این، در هیچ‌یک از کشورهای مورد مطالعه، تفاوت تمایل به مهاجرت میان زنان و مردان جوان به ۲۰ واحد نرسیده بود.

گالوپ که از سال ۲۰۰۷ میل به مهاجرت را در کشورهای مختلف می‌سنجد، می‌گوید زنان جوان آمریکایی تا حدود یک دهه پیش، کمتر از میانگین هم‌سن‌وسال‌های خود در دیگر اقتصادهای پیشرفته عضو OECD به مهاجرت فکر می‌کردند. اما از اواسط دهه ۲۰۱۰ به بعد، این روند معکوس شده و امروز زنان جوان در ایالات متحده بیش از همتایان خود در دیگر کشورهای ثروتمند خواهان ترک کشور هستند. در مقابل، تمایل مردان جوان آمریکایی به مهاجرت همچنان پایین‌تر از میانگین OECD است.

■نقش مهم سیاست در الگوی تمایل به مهاجرت

به گفته گالوپ، سیاست نقش مهمی در این الگو دارد. در سال ۲۰۲۵، میان کسانی که عملکرد رهبری سیاسی کشور را تأیید و کسانی که آن را رد می‌کنند، شکاف ۲۵ واحد درصدی در میل به مهاجرت دیده می‌شود. مخالفان حاکمیت بسیار بیشتر از موافقان از ترک آمریکا سخن می‌گویند. این شکاف که در دوره اوباما تقریباً ناچیز بود، در دوره اول ترامپ به‌طور متوسط به حدود ۱۴ واحد رسید، در دوره بایدن به هشت واحد کاهش یافت و اکنون در نخستین سال از دوره دوم ترامپ به بالاترین سطح خود یعنی ۲۵ واحد جهش کرده است. بخش قابل توجهی از زنان جوانی که به مهاجرت می‌اندیشند، دقیقاً از همین طیف دموکرات یا متمایل به دموکرات‌ها هستند.

تصور عمومی این است ازدواج و فرزندآوری مانع جدی مهاجرت است، اما داده‌های گالوپ تصویر پیچیده‌تری نشان می‌دهد. در میان زنان هجده تا چهل‌وچهار ساله، ۴۱ درصد متأهل‌ها و ۴۵ درصد مجردها گفته‌اند اگر امکانش باشد، مهاجرت دائمی را ترجیح می‌دهند؛ کمترین فاصله‌ای که تاکنون میان این دو گروه ثبت شده است. همچنین ۴۰ درصد زنان دارای فرزند خردسال در خانه و ۴۴ درصد زنان بدون فرزند تمایل به ترک آمریکا را اعلام کرده‌اند. به تعبیر گالوپ، اگر بخشی از این زنان واقعاً مهاجرت کنند «احتمالاً نسل بعدی را هم با خود خواهند برد».

در مجموع، این گزارش نشان می‌دهد آمریکا با پدیده‌ای تازه روبه‌رو است: نسلی از زنان جوان که همزمان از نهادهای رسمی ناامید شده‌اند و بیش از هر زمان دیگری آینده خود را خارج از مرزهای کشور تصور می‌کنند. روندی که اگر به مهاجرت واقعی تبدیل شود، می‌تواند پیامدهای عمیقی برای ساختار جمعیتی، اقتصادی و سیاسی ایالات متحده در سال‌های پیش رو داشته باشد.

دریچه

سود بی‌سابقه شرکت‌های تسلیحاتی در سایه جنگ اوکراین

زارع | عملیات ویژه روسیه در اوکراین که از فوریه ۲۰۲۲ آغاز شد، نه فقط امنیت اروپا را متحول کرده، بلکه اقتصاد جهانی صنایع دفاعی را نیز با رشدی بنیادین روبه‌رو کرده است. براساس گزارش مؤسسه بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم (SIPRI)، درآمد فروش تسلیحات و خدمات نظامی توسط ۱۰۰ شرکت برتر تسلیحاتی جهان در سال ۲۰۲۴ با افزایش ۵٫۹درصدی به ۶۷۹ میلیارد دلار (معادل حدود ۵۸۳ میلیارد یورو) رسید؛ بالاترین رقم تاریخی ثبت‌شده برای این صنعت!

■اروپا و آمریکا بیشترین مصرف‌کننده سلاح

این رشد بی‌سابقه عمدتاً ناشی از افزایش تقاضا در اروپا و ایالات متحده است، جایی که شرکت‌های تولیدکننده سلاح در واکنش به تنش‌های ژئوپلیتیک و نیاز به تقویت ظرفیت‌های دفاعی، بخش‌های تولیدی خود را توسعه داده‌اند. دست‌کم ۶۵درصد از شرکت‌های اروپایی حاضر در فهرست ۱۰۰شرکت برتر، در سال ۲۰۲۴ ظرفیت تولید خود را برای پاسخ به تقاضای فزاینده افزایش دادند و این نشانگر واکنش سریع بخش خصوصی به فشارهای بازار است.

در میان شرکت‌های اروپایی، شرکت چکسلواک گروپ از جمهوری چک برجسته‌ترین رشد را تجربه کرد؛ درآمد این شرکت با جهشی چشمگیر ۱۹۳درصد افزایش یافت و به ۳٫۶ میلیارد دلار رسید. این رشد عمدتاً به پروژه دولتی «ابتکار مهمات جمهوری چک» مربوط می‌شود که تأمین پوکه‌های توپخانه برای اوکراین را بر عهده دارد و بیش از نیمی از درآمد این شرکت را مستقیماً به جنگ اوکراین ارتباط داده است.

■سود سرشار فرانسه از جنگ اوکراین

در فرانسه نیز چهار شرکت بزرگ تسلیحاتی حضور چشمگیری داشته‌اند، به‌طوری که کل درآمد این شرکت‌ها در سال ۲۰۲۴ به ۲۶٫۱ میلیارد دلار رسید و نسبت به سال قبل ۱۲درصد رشد کرد. ازجمله این شرکت‌ها، تالس، سفران و داسو هستند که همگی رشد دو رقمی در درآمدهای تسلیحاتی خود ثبت کردند. شرکت تالس همچنین در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۵ اعلام کرد فروش کل آن به حدود ۵میلیارد یورو رسیده که این رقم نسبت به دوره مشابه سال گذشته حدود ۹٫۹درصد افزایش داشته است.

در ایتالیا هم دو شرکت بزرگ، از جمله لئوناردو، شاهد رشد درآمد تسلیحاتی بودند؛ درآمد این شرکت‌ها در سال ۲۰۲۴ نسبت به سال پیش ۹٫۱درصد افزایش یافت و به مجموع ۱۶٫۸میلیارد دلار رسید. لئوناردو که دومین شرکت بزرگ تسلیحاتی اروپا محسوب می‌شود، درآمد خود را ۱۰درصد افزایش داد و به ۱۳٫۸ میلیارد دلار رساند. این شرکت همچنین با همکاری شرکت آلمانی راین‌متال سرمایه‌گذاری مشترکی را برای توسعه تانک‌های میدان نبرد و خودروهای رزمی جدید آغاز کرده است.

■۴ شرکت پردرآمد آلمانی

در آلمان نیز چهار شرکت در میان ۱۰۰ شرکت برتر جهان قرار دارند و مجموع درآمد تسلیحاتی این کشور در سال ۲۰۲۴ با رشد چشمگیر ۳۶درصدی به ۱۴٫۹ میلیارد دلار رسیده است. شرکت آلمانی دایل با افزایش ۵۳درصدی در این فهرست برجسته شده و درآمد ۲٫۱ میلیارد دلاری را ثبت کرده است. این شرکت نقش مهمی در ارسال سامانه‌های دفاع هوایی زمینی به اوکراین ایفا کرده که بخشی از تلاش گسترده آلمان برای پشتیبانی نظامی از کی‌یف است.

با وجود این نتایج مالی قابل توجه برای صنایع دفاعی، گزارش SIPRI همچنین به چالش‌های ساختاری بلندمدت اشاره می‌کند. اروپا به‌شدت به مواد معدنی حیاتی مانند کبالت، لیتیوم و تیتانیوم وابسته است؛ موادی که بخش مهمی از زنجیره تأمین صنایع دفاعی را تشکیل می‌دهند. پیش از جنگ، شرکت‌هایی مانند ایرباس و سفران تا نصف تیتانیوم مورد نیاز خود را از روسیه وارد می‌کردند؛ اما تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری، تأمین این مواد اولیه را پیچیده‌تر کرده است.

به گفته جِید گیبرته‌او ریکارد، پژوهشگر SIPRI، شرکت‌های اروپایی در تلاش‌اند با سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌های جدید تولید، پاسخ به تقاضای فزاینده را ممکن کنند، اما وابستگی به موادخام خارجی همچنان یک نقطه ضعف مهم است که می‌تواند برنامه‌های تسلیح مجدد اروپا را دشوارتر کند.

در پاسخ به این چالش، اتحادیه اروپا طرحی را آغاز کرده که تا سال ۲۰۲۹ وابستگی خود به مواد معدنی استراتژیک را تا ۵۰درصد کاهش دهد. این طرح شامل سرمایه‌گذاری در استخراج لیتیوم در آلمان (پروژه ولکان) و توسعه پروژه‌های معدنی در بخش‌هایی از گرینلند و حوزه مدیترانه است. همچنین اتحادیه اروپا در تلاش است زنجیره‌های تأمین مواد اولیه را با همکاری اوکراین، بالکان غربی و کشورهای ساحل شرق و جنوب مدیترانه کامل کند.

به این ترتیب، جنگ در اوکراین نه تنها یک بحران امنیتی و انسانی عمیق ایجاد کرده، بلکه به یکی از عوامل مهم رشد اقتصادی بی‌سابقه در صنعت تسلیحات جهانی تبدیل شده است؛ صنعتی که اکنون در مرکز تقاطع منافع اقتصادی، امنیت ملی و وابستگی‌های استراتژیک قرار دارد.